



### اشاره

درباره ادوارد آلبی ، نمایشنامه‌نویس پیشرو آمریکائی سخن بسیار گفته است ، اما اخیراً حضرتی بنام نیکلادی یانف از گاردین ، درباره زندگی ، خصوصیات ، اندیشه ، آثار و جهان بینی آلبی دفتری نقدگونه گردآورده که درخور تعمق و بررسی است . در این دفتر می‌بینیم که وقتی آلبی اندیشه خود را از چهار چوب مسائل تأثیری فراتر میبرد و مثلاً به مسائل منطقه‌ای یا جهانی برش میزند ، يك پایش می‌لنگد ، و باین لنگیدن ، انسان بیش از پیش مشتاق میشود تا محتوی آثار تأثیری او را مجدداً محك بزند و در تب و تاب تند بت سازی آندسته از دوستان آن تأثیر در این سوی عالم به بحث و شور بنشیند .

# حرفهائی در باره

## ادوارد آلبی

### به مناسبت اجرای نمایشنامه تازه اش

## ALL OVER

بر گردان از : ج - نوائی

سربه‌نشانه هایش میساید ، استفاده میکند ، در لباس پوشیدن از مد روز پیروی میکند . اغلب ژاکت یقه بلند میپوشد ، و بیشتر با ژاکت و شلوار معمولی دیده میشود . کلمات را با تاکید آدامیکند : گوشها و مژگانی بلند دارد و لب بالایش غیرعادی است و بالاخره از ذوق و استعداد درخور توجه تأثیری برخوردار میباشد .

« من حالا سگو دوست دارم و میخواهم که او تم منو دوست داشته باشه ، من هم در عشق و هم در کشتن تقلا کردم ، اما در هر دو تاش و اماندم . میدونی مسئله اینه که اگر نتونی با مردم رفتاری دوستانه داشته باشی ، باس جای دیگه دس بکار بشی . مثلاً رفاقت با حیوانات . ملتفتی که ؟ آدم باس با چیزی کنار بیاد . » - جری در نمایشنامه « قصه باغ وحش » ( نوشته ۱۹۵۸ )

### آموزش و مقوله اضطراب :

آلبی در يك داستان کوتاه گونه به حفظ نیاز اولیه به وصف خویش خویش اعتراف دارد : « در هجده سالگی ، دو داستان کوتاه نوشتم . ۷۵

### زندگینامه :

ادوارد آلبی در مارس ۱۹۲۸ در واشنگتن زاده شد . به پرورشگاهی در نیویورک سپرده شد . و وقتی يك ماه از سنش میگذشت ، يك خانواده که دست اندر کار مدیریت نمایش بود ، او را به فرزندی گرفت و نام خانوادگی خود را براونهاد درمدارس چوئث (Choate) و لارنس ویسل - (Lawrenceville) درس خواند و دبیری نپائید که سراز دانشگاه کلمیبا درآورد . به گفته خودش تأثیر از همان اوان نظرش را جلب میکرد و نخستین نمایشنامه اش را در یازده سالگی نوشت آلبی سفر ها کرده وهم اکنون در آمریکا بسر میبرد .

### مشخصات شخصی :

عکسهائی که از سالهای اولیه زندگی آلبی در دست است نشان میدهد که موهای کوتاهی داشته ، اما امروز از موی مصنوعی بلند که بنحوی جالب شسته و پیراسته شده و

هر دو ترسناک و خوفناکیز بودند. هر آنچه را که از زندگی میداشتم در آنها گنجاندم و داستان کوتاه اول نهد صفحه شده در بیست وهفت سالگی نیز شعر ومقاله می نوشتم - هر نویسنده ای از ابتدا باشاعری آغاز میکند.

سالهای تحصیل الهی باعضیانهای ادواری وصف خویشتن وکنکاش با پافشاریش برای بیان الهی، نشان خورده است. الهی پیش از این خود را بعنوان «یاعی پابرجائی که تقریباً علیه همه چیز بیاخاست و دستاویزی پدید آورده که از چندمدرسه اخراجش کنند، وصف کرده بود. الهی گفته است که از دانشگاه کلمبیا اخراجش کردند زیرا در کلاسها حاضر نمیشدم». او در توجیه غیبت خود میگوید که از کلاسها لذت نمی برده است. «پهزیبائی شناسی و ادبیات فرانسه عشق می ورزیدم». «بداو اخطار میشود که یا درس کلاسها حاضر شود، یا دانشگاه را ترك کند. «گفتم بسیار خوب، من عطای دانشگاه را به نقایش میبخشم». بالاخره دانشگاه را ترك میکند و ده سال بعد را «بحرف زدن، نوشتن وعشقبازی» سیری میسازد. الهی میگوید این سالها بی نهایت لذتبخش بود و میافزاید هرگز وقتی برای افسوس خوردن پیدا نکرد. هرسال برای او سالی خوش آیند بود، بطوریکه در این دوره هر نظری را درباره «وصل و فصل» زندگی رد میکند.

«گرچه میاد، بو میکشه و به جا بند نمیشه. بالاخره بند میشه، خود شو جمع و جور میکنه و دراز میشه، کمی بیشتر دستو پاشو جمع میکنه، پنبجول میکشه، نفس میزنه، و هسواطور که نور آفتابو قورت میده، باش ذق ذق میکشه، درد میکشه و حالش خوب میشه. آخدا وقتی همش سایت بالا سرمه چطورى بشناسم؟ راستی آخدا چطورى بشناسم؟ جولیان در نمایشنامه «آلیس کوچولو» (نوشته ۱۹۶۵).

### اندیشه های سیاسی ادوارد الهی :

مایلم بیشتر درباره احساس مبهم اضطراب هنگامی بنویسم تا درباره يك تعهد سیاسی خاص. دولت آیزنهاور معتدل و غیرفعال بود. بعداً - سالهای ششست یعنی عمر تحرك فرارسید، کندی مظهر این واقیعت بود که سیاست قادر است به جنب وجوش بیافتد. قوانین داخلی همچنان انگیز وضع شد و جانسون چند قانون مدنی را تصویب رساند. من تحرك نوع خود را برحالت انفعالی ترجیح میدهم. تحرك سالهای شصت به سبب بی پیرایگی سیاسی اش، گیج کننده و غم آور بود. در واقع میان «چپ جدید»، برو بچه ها و بسیاری از آمریکائیها که نمی فهمند کمونیسم از چه مقوله ایست چند پارگی دیده میشد.

«در آمریکا هنوز هم يك عامل هیجان - انگیز وجود دارد: آمریکا تنها کشوریست که با يك انقلاب بنیان یافت و به نظر میاید که توانائی دست زدن به برخی تحول و پیشرفتها را داشته باشد، اگر دو دوره بسیار با اهمیت را بررسی کنیم خواهیم دید که آمریکا همتا قدر هوشیارانه تکامل تدریجی یافته که هر جامعه انقلابی - و آن دو

دوره عبارتند از دوره روزولت در سالهای سی و دوره وضع قوانین اجتماعی در سالهای شصت ( حقوق مدنی و آغاز نظامی با حداقل مسزایای ییسه اجتماعی و دستمزدهای تضمین شده که تقریباً شامل حال همه کسی میشود ) - واقیعت که مردم تکامل تدریجی و حرکت پیوسته به سوی سوسیالیسم را از نظر دور میدارند، حرکتی که از میان رفتن آزادیهای مردم را سبب نشده است. جوانان چیزی درباره تاریخ نمیدانند و به مانوگرانی و تروتسکی گرانی گرایش می یابند. اما گویا این دو بهتر از آیزنهاور و نیکن نیستند. « ما این اظهار نظر مجادله آمیز را موجب شدیم و حال از خواننده میخواهیم که نظریات کنونی الهی را با حساسیتی که بنیان نمایشنامه های اولیه او را تشکیل میدهد، مقایسه کند.

«از تفاوت میان عوامل - اونطور که هستند اونطور که باید باشن، به تنگ اومدم... من خستم... من از واقیعت خستم و از دروغ گفتن درباره واقیعت». «پرستار در نمایشنامه «مرگ بی اسمیت» (نوشته ۱۹۵۹). «من در نمایشنامه های به سیاست نظر دارم، از يك گفت و شنود با بخش هنری روزنامه گاردین در ۱۹۷۲».

### الهی و مسئله ترور در شوروی :

«من ۵۰ ماه در شوروی و یازده ماه در دیگر کشورهای بلوک شرق بسر بردم. برخی از دوستانم در آسایشگاه های روانی شوروی بسر میبردند. از ابراز احساسات برای فروتنی و مانوسه بودن کمی میبهرتم. و هنوز هم تحرك را برای الهی و حالت انفعالی ترجیح میدهم. این واقیعت که ۶۵ درصد از آمریکائیها حتی نام عضو کنگره خود را نمیدانند به این معنی است که به تر گیری در این گونه مسائل تمایلی ندارند. اکثر جوانان چپ گرای امروزی در سی و پنج سالگی به سطح نظریات ارتجاعی منزل میکنند. من با جان استین - بلکه به شوروی رفتم و با جوانان به گفتگو رفتم. اما همیشه از یادش میماند که کشور کوچک نیست بودند. این امری وهم آمیز و هراسناک بود.

### جان کلام: مال صلح علوم انسانی

الهی و خودش: الهی نمایشنامه های خود را وصف حماقتها و کوتاه بینی ها میداند. «اوقیل معتقد بود که مردم به تصورات واهی نیاز دارند. من معتقدم که بدون تصورات واهی مسئله جنبه سرد و کسل کننده تری پیدا میکند. شل و سفت نکنیم، از تعهد نگریزیم ومسئله خانواده را بعنوان راه گریز مطرح نسازیم». هرکس ساخت خویشاوندی می آفریند، البته بجز خلوت گریزان و معتقدان. سعی ما آن بود که درباره پیچیده ترین و اغفال کننده ترین نمایشنامه الهی (آلیس کوچولو) سوالی طرح کنیم. درباره این نمایشنامه گفته شده که هرگز تند و مفهوم و معنائی نهائی دارد. ادوارد الهی با ناخرسندی از طرح این سوال گفت: «واقعا مایل نیستم که درباره نمایشنامه های

حرف بزنم. و باز مایل نیستم درباره ارتباط میان یکی از نمایشنامه هایم با نمایشنامه دیگر بحث کنم. اگر قرار باشد به این مسائل فکر کنم، نمیدانم بر سر جریان خود به خودی يك نمایشنامه چه میاید. قلمرو هائی وجود دارند که حتی فکر کردن درباره آنها برایم خوش آیند نبوده است. « الهی به ما گفت که هرکس دو شخصیت دارد - شخصیت اجتماعی و شخصیت خصوصی. او مایل بود درباره سیاست و آتارش (گرچه با شعوری در بسته و محدود) گفتگو کند. از او پرسیدم پس چرا به مصاحبه تن میدهد، خصوصاً با پاسی که بر غالب متداول میگذارد، غالبی که سهو بوتل بکت در آن از ارائه هر گونه اطلاع شخصیتی پرهیخته است؟ الهی برای لحظه ای ژست میگیرد، می خندد و میگوید: «این امری کاملاً اصلی است. اگر نمایشنامه های را برصحنه آوری سودمند است» این گونه خلع صلاح شدن خطرناک نظر ما را برانگیخت، گرچه محسوس بود که این آقای الهی است که خلع صلاح شده است.

«اینو یاد گرفتم که نه محبت و نه برحمی باهم یا سوا از همدیگر هیچ نتیجه ای رو پشت سرشون به جا نمیدارن» - جری در نمایشنامه «قصه باغ وحش».

### بچه سر راهی، عقیمی و فاجعه

همانطور که الهی پیش از این به دیگران گفته بود به ما نیز گفت که بچه سر راهی بوده. پرسیدیم آیا هرگز برای یافتن اولیاء واقعی خود تلاش کرده یا از اینکه بچه سر راهی بوده احساس نگرانی کرده است؟ «مدتی نگران بودم. اما این مسئله حالا ناراحت من نمی کند. لمایه لذت است که سر يك خط یا شاید به آن باشی». به این علت است که شخصیت های عقیم و بی بچه در آثار نمایشی او مکرر مشاهده میشود. زن سی و پنج ساله ای که بارها ازدواج کرده و طلاق گرفته در نمایشنامه اخیرش «All Over» و در نمایشنامه «يك موازنه حساس» زن در وهله اول فرزند است و فرزندى که پاس و نومیدی برای اولیایش پدید میآورد. زن او شوهر در نمایشنامه «چه کسی از ویرجینیا تلف میترسد»؟ تاوان هراسناکی برای فرزندى خیالی می پردازند. در آنجا نیز نشانه های ناتوانی مردی یا نازا می و یا نشانه های پنهان همجنس گرایی در شوهر وجود دارد. (مقایسه کنید نقش «بهترین دوست» را در دو نمایشنامه محلی الهی).

در نمایشنامه «روای آمریکائی» نیز يك ازدواج بدون ثمره دیده میشود و شوهر عقیم و یا از لحاظ جنسی ناتوان است. «هر» قصه باغ وحش «مرد میانه سال به ناتوانی جنسی متهم میشود با اینهمه در این دو نمایشنامه ( « قصه باغ وحش» و «آلیس کوچولو» ) که واحد خانواده اصلاً وجود ندارد، نمونه ای از میرتدگی تدریجی، مرگ و ترور خیالی و شاید تاکید بر انزواطلبی همجنس گرانی مشاهده میشود. ما باور داریم که موازنه میان این وحشت ها حساس است و از اضطراب و تشویش حکایتها دارد.